



بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث - 10 / اسفند / 1400

بسم الله الرحمن الرحيم
والحمد لله رب العالمين و الصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطاهرين سيما بقيّة الله في الارضين.

تبریک عرض میکنم عید سعید و بسیار بزرگ مبعث رسول اکرم را به همه‌ی امت بزرگ اسلامی و به ملت عزیز ایران و به همه‌ی آزادگان جهان. روز مبعث و شب مبعث، روز و شبی است که بزرگ‌ترین هدیه‌ی عالم وجود - که از آن تعبیر شده است در دعای شب مبعث به «بالتَّجَلِّي الأعظم» (۱) - به نبی مکرم اسلام، برترین بنده‌ی خداوند، اعطا شد و هدیه داده شد.

البته بعثت نبی مکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) هدیه‌ی به همه‌ی بشریت هم هست. اگر ما در میان ارزشهای فراوان اسلام، سلسله‌ی ارزشهای اسلامی - که مجموعه‌ی ارزشهای اسلامی خیلی گسترده است - فقط دو ارزش را در نظر بگیریم، یعنی عنصر «گسترش عقلانیت» و عنصر «پرورش اخلاق» را که دو عنصر برجسته از این ارزشها است، اگر همین دو عنصر را در نظر بگیریم که اسلام نسبت به آنها چه تأکیدی کرده، تصدیق خواهیم کرد که اسلام عالی‌ترین هدیه را و وسیله‌ی سعادت را به بشریت عطا کرده.

اینکه اسلام به عقلانیت و گسترش عقلانیت دعوت میکند، چیز خیلی مهمی است. در قرآن ده‌ها مورد، و اگر کسی بشمرد شاید نزدیک به صد مورد وجود دارد که خدای متعال، با تعبیرهای مختلف، با تعبیر «تعقلون»، با تعبیر «تتفكرون»، با تعبیر «اولی الالباب»، با تعبیر «یتدبرون»، مخاطبان را و آحاد مردم را به تفکر و اندیشه و عقل دعوت کرده.

در مورد گسترش مفاهیم اخلاقی و پرورش اخلاقی هم همین بس که در چند جای قرآن در صدر اهداف بعثت، اخلاق و تزکیه را ذکر کرده: هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ؛ (۲) اول، تزکیه است؛ هم چنین در آیات دیگر: لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ. (۳) چند جای دیگر هم در قرآن هست که هدف بعثت را «تزکیه» معین کرده است؛ در رأس اهداف [بعثت]، تزکیه است.

پس بنابراین اسلام این دو ارزش متعالی و بی‌نظیر را هدیه کرده به بشریت و تحریص (۴) بر آن کرده و مؤمنین به خود را و به تبع آنها همه‌ی آحاد بشر را دعوت به تعقل و تفکر و تزکیه و مانند اینها کرده که این بزرگ‌ترین هدیه‌ای است که اسلام میتواند به بشریت اعطا کند و اعطا کرده.

خب چند نکته در باب بعثت را به طور اختصار عرض میکنم، بعد هم یک نکته‌ای در باب قضایای جاری روز عرض خواهم کردم.

یک نکته در باب بعثت این است که بعثت رسول اکرم اسلام، چیزی را تحقق بخشید که به نظر محال می‌آمد، ناممکن بود؛ و آن چه بود؟ این بود که از مردم جزیره‌العرب دوران جاهلیت - که حالا عرض میکنم خصوصیاتشان چه



بود- یک امت بافضیلت مثل امت اسلامی دوره‌ی خود پیغمبر تشکیل داد؛ چنین چیزی با نگاه عرفی و عادی محال به نظر می‌رسد. مردم عربستان در دوره‌ی جاهلیت، قبل از بعثت پیغمبر، خصوصیات داشتند که بعضی از آنها در نهج البلاغه [آمده] است، بعضی هم در تاریخ است: مردم گمراه، سرگردان، بی‌هدف، بشدت نادان، دچار فتنه‌های بزرگ- فتنه‌های ناشی از عصبیت‌ها و جهالت‌های بزرگ- در عین حال با همه‌ی این صفاتی که عرض کردیم- نداشتن علم، نداشتن معرفت، نداشتن ذره‌ای اخلاق، نداشتن هدف- بشدت متکبر، بشدت خشن، حق‌ناپذیر، لجوج؛ این خصوصیات مردم عربستان [بود]؛ مردم مکه و بقیه‌ی جاهایی که در آن وقت بودند، از بزرگان و کوچکانشان، رؤسا و زیردستانشان، این خصوصیات را داشتند. پیغمبر اکرم آمد از همین مردم با یک فاصله‌ی کوتاهی- که عرض میکنیم- یک ملتی ساخت متحد، بافضیلت، باگذشت، فداکار و دارای عالی‌ترین خلقیات؛ شما نگاه کنید به مسلمانان زمان پیغمبر- چه آن وقتی که منحصر بودند در مدینه و چه آن وقتی که گسترش پیدا کردند به مکه و طائف و بعضی جاهای دیگر- [پیامبر] همان آدمها را تبدیل کرد به یک چنین انسانهایی. این به نظر نشدنی بود؛ با هیچ محاسبه‌ای امکان این نبود که در یک مدت کوتاهی، آن چنان مردمی تبدیل بشوند به این چنین مجموعه‌ای. بعد هم در کمتر از بیست سال آوازه‌ی جهانی پیدا کردند؛ همین مردم با آن خصوصیات اخلاقی، بعد از آنکه اسلام را قبول کردند، بیست سال نگذشته بود که آوازه‌ی جهانی پیدا کردند و از طرف شرقشان، از طرف غربشان توانستند فکر خود را، اندیشه‌ی خود را، عظمت خود را منتشر کنند و به تعبیرهای امروزی، هم از لحاظ سخت‌افزاری، هم از جهت نرم‌افزاری توسعه پیدا کنند. این کاری بود که اسلام انجام داد، و این واقعاً یک کاری بود ناممکن؛ به نظر ناممکن می‌آمد ولیکن اسلام [آن را] تحقق بخشید؛ بعثت [آن را] تحقق بخشید.

خب این واقعهای است که در تاریخ اتفاق افتاده لکن ما امروز میتوانیم از این واقعه بهره‌مند بشویم؛ به این معنا که این یک بشارتی است به همه‌ی مسلمانان در همیشگی تاریخ که هر گاه اراده‌ی آحاد مردم در طول اراده‌ی الهی قرار بگیرد و تابع اراده‌ی الهی بشود، انسانها کارهایی را میتوانند انجام بدهند که به نظر ناممکن است، به هدفهایی میتوانند برسند که به نظر متعارف و طبق محاسبات از دسترس انسان دور است؛ همیشه این جور است. در طول تاریخ، همین تجربه‌ی نبوی قابل تکرار است؛ اگر چنانچه انسانها در آن خط قرار بگیرند، میتوانند به اهداف والایی دست پیدا کنند که به نظر عادی و محاسبات عادی، ناممکن به نظر می‌آمد.

حالا این تجربه -البته با تفاوتیایی- برای ملت ایران اتفاق افتاد و خداوند تفضل کرد، به ملت ایران این تجربه را اعطا کرد، توفیق این تجربه را خدای متعال به ملت ایران نشان داد و آن، عبارت بود از ریشه‌کنی سلطنت در این کشوری که پادشاهی مطلقه و سلطنت ظالمانه و جائرانه و متکی به قدرت مادی و بونبرده‌ی از معنویت، ریشه‌ی تاریخی بسیار طولانی‌ای داشت. اینجا این واقعه در کشور اتفاق افتاد، در حالی که پشتیبان این حکومت سلطنتی در کشور هم آمریکا بود، قدرتهای بزرگ جهان بودند؛ هم آمریکا، هم انگلیس، این اواخر هم شوروی سابق، همه از حکومت پهلوی حمایت میکردند، اما ملت ایران توانست ریشه‌کنی این حکومت را که به نظر ناممکن می‌آمد -واقعاً ناممکن به نظر می‌آمد- این را تحقق ببخشد؛ به برکت رهبری مخلصانه‌ی امام (رضوان الله تعالی علیه) و همت بلند مردم و فداکاری مردم، این کار اتفاق افتاد. خب ماها در میدان بودیم، در جریان بودیم؛ آن روز به هر یک از ماها اگر میگفتند چنین اتفاقی ممکن است بیفتد، برایمان خیلی قابل باور نبود، اما تحقق پیدا کرد. و این انقلاب، ملت را از خمودگی خارج کرد، ملت را به حرکت درآورد، به نشاط درآورد و نه فقط این انقلاب عظمت خودش را به دنیا نشان داد، ملت ایران را هم باعظمت کرد، ایران اسلامی را هم در چشم دنیا عظمت بخشید. این نکته‌ی اول که اگر چنانچه ما در خط بعثت حرکت بکنیم، کارهای ناممکن را ممکن خواهیم کرد و میتوانیم دسترسی پیدا کنیم به هدفهایی



که به نظر، غیر قابل دسترسی می‌آید.

نکته‌ی بعدی در قضیه‌ی بعثت خاتم‌الانبیا (صلی الله علیه و آله و سلم) این است که بر خلاف نظر آن کسانی که دین را جدای از سیاست معرفی می‌کنند، دین را از زندگی، از سیاست و از حکومت بکلی جدا می‌کنند -قشرهای مختلفی هم در این زمینه کار می‌کنند؛ از قبل هم بود و با حرکت انقلابی این تلاش خنثی شد، ولی خب باز آدم مشاهده می‌کند که کسانی باز زمزمه‌ی این را شروع کرده‌اند با نوشتن و گفتن و مانند اینها - نقطه‌ی اوج نهضت نبوی تشکیل حکومت بود که مقدمات آن را و زمینه‌سازی آن را خود پیغمبر به وجود آورد؛ با بزرگان مدینه که آوازه‌ی اسلام را شنیده بودند و آمدند ببینند قضیه چیست، پیامبر اکرم با اینها صحبت کردند، موضعه (۵) کردند، قرارداد گذاشتند و بزرگان یثرب -البته آن روز هنوز اسمش مدینه نبود، شهر یثرب بود- زمینه‌سازی کردند، بعد پیغمبر اکرم با آن وضع عجیب، هجرت خود را شروع کرد، بعد هجرت مسلمانها شروع شد و بتدریج مهاجرین آمدند. قبل از هجرت، پیغمبر مصعب بن عمیر را به عنوان نماینده فرستاد آنجا که برود آیات قرآن را بخواند برای مردم؛ این مقدمات را فراهم کرد، بعد هم خود حضرت به یثرب هجرت کردند و حکومت اسلامی را در آنجا تشکیل دادند؛ این نقطه‌ی اوج نهضت پیغمبر بود. و به این هم اکتفا نکردند که حالا یک حکومت تشکیل بدهند و فقط مردم را اداره کنند؛ نه، شروع کردند به مقابله‌ی همه‌جانبه‌ی با دشمنان. چون دشمنان بالاخره مسلمانها را راحت نمی‌گذاشتند؛ لشکر درست کردند، جنگ‌افزار تهیه کردند و به دشمنان حمله کردند، یک جاهایی دفاع کردند، یک جاهایی تهاجم کردند؛ هر دو جورش هست. اینکه حالا بعضی می‌گویند جنگهای پیغمبر صرفاً دفاعی است، نه، بعضی دفاعی بود، بعضی هجومی بود؛ شرایط مختلف بود. بعد هم پایگاه شرک را فتح کردند؛ پایگاه شرک مکه بود؛ آنجا را فتح کردند و بیت‌الله در اختیار اسلام و در اختیار مسلمین قرار گرفت؛ حکومت اسلامی را تثبیت کردند. این شورانگیزترین بخش نهضت اسلامی است. چطور آن کسانی که این تلاش را می‌کنند می‌خواهند اسلام را، دین را از حکومت جدا کنند؟

نکته‌ی بعدی در باب بعثت این است که یکی از مهم‌ترین شعارها و جهت‌گیری‌های پیامبر اکرم در بعثت، مقابله‌ی با جاهلیت بود. در قرآن بارها جاهلیت تقبیح شده. تعبیر جاهلیت -که حالا توضیح میدهم که مراد از جاهلیت چیست- بارها در قرآن تقبیح شده. در سوره‌ی مائده: اَفْحَكُمُ الْجَاهِلِيَّةُ يَبْغُونَ؛ (۶) در سوره‌ی احزاب: وَ لَا تَبْرَجَنَّ تَبْرُجُ الْجَاهِلِيَّةِ الْاُولَى؛ (۷) در سوره‌ی انا فتحنا: اِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ؛ (۸) و در چند جای دیگر قرآن که حالا من این سه آیه در ذهنم بود، اینجا یادداشت کردم. جاهلیت تقبیح شده. این جاهلیت چیست؟ مراد از این جاهلیت صرفاً بی‌سوادی نیست، نادانی نیست؛ البته بی‌سوادی هم در آن هست، لکن این جاهلیت معنای وسیع‌تری دارد؛ حَلَقِيَّاتِ پست هم جزو این جاهلیت است که به بعضی از آنها قبلاً اشاره کردم. رفتارهای ددمنشانه‌ی مردم: آدم‌کشی‌شان، دزدی‌شان، تجاوزشان، حق‌کشی‌شان، ضعیف‌کشی‌شان که همه‌ی اینها رایج بود در بین مردم جزیره‌العرب، اینها جزو همان جاهلیت است. هرزگی جنسی، هرج و مرج جنسی، ابتذال اخلاقی، برچیده شدن بساط حیا از بین مردم؛ اینها بود دیگر، اینها جزو آن جاهلیت بود. و بعثت با همه‌ی اینها به مقابله پرداخت. یعنی جاهلیتی که «وَ لَا تَبْرَجَنَّ تَبْرُجُ الْجَاهِلِيَّةِ الْاُولَى» که در سوره‌ی احزاب خطاب به زنهای مکرم پیغمبر هست، این یک چنین چیزی است؛ هم نادانی و بی‌سوادی و جهالت در آن هست، هم بداخلاقی و ظلم و تبعیض و حق‌کشی و ضعیف‌کشی هست، هم هرزگی جنسی و بی‌بندوباری و هرج و مرج اخلاقی در آن هست؛ همه‌ی اینها جزو جاهلیت است. خب، پیغمبر با جاهلیت به مبارزه پرداخت.

حالا نکته‌ی مهم اینجا است که بسیاری از همان رذایل اخلاقی که آن روز در مکه رایج بود، در جزیره‌العرب رایج بود و



پیغمبر با اینها به مقابله پرداخت، بسیاری از آن رذایل اخلاقی، امروز در دنیای به اصطلاح متمدن غربی به شکل سازمان یافته و بسیار شدیدتر و بسیار وسیع تر وجود دارد؛ عیناً همان رذایل اخلاقی در یک مقیاس بزرگتری امروز وجود دارد، با شدت هر چه بیشتر.

خب امروز زندگی در تمدن غربی بر پایه‌ی طمع و حرص است، بر پایه‌ی آزمندی است. اصلاً اساس زندگی در تمدن غربی، حرص و طمع است. امروز پایه‌ی همه‌ی ارزشهای غربی پول است، همه چیز با پول سنجیده میشود؛ اخلاقیات، معنویات، همه چیز با پول سنجیده میشود؛ معیارها این است. سیاست رایج، حکمرانی‌ها، همه در خدمت تبعیض است، در خدمت فربه شدن کمپانی‌ها و کارتل‌ها است؛ امروز این جوری است دیگر.

علم و فناوری در خدمت کشتار مردم است. یک وقتی از علم استفاده میکنند مثلاً فرض کنید که برای واکسن یا فلان دارو که عده‌ای را نجات میدهد، اما [گاهی] از همین علم استفاده میکنند برای [ساخت] سلاحهای کشتار جمعی، سلاحهای شیمیایی، سلاحهای اتمی، که صدها برابر آن تعداد مردم را از بین میبرد، نابود میکند؛ و این اتفاق در دنیا افتاده است و الان هم دارد می‌افتد. غارت کشورهای ضعیف؛ ابتذال اخلاقی. ابتذال اخلاقی و هرج و مرج اخلاقی بشدت [وجود دارد]. مسئله‌ی هم جنس گرایی و امثال اینها - که دیگر واقعاً شرم آور است، که آدم از تکرار کردنش و گفتنش هم شرم میکند - هرج و مرج عجیب جنسی؛ اینها امروز در دنیا وجود دارد. اینها همان چیزهایی است که آن روز بود، امروز هم همانها هست؛ منتها آن روز محدود بود، امروز گسترده است، سازماندهی شده است. پشت خیلی از این فسادها و مفاسد، منطقهای مصنوعی درست شده، یعنی پشتوانه‌های منطقی و فکری برایش درست کرده‌اند، مبنای فکری برایش درست میکنند و به بشریت ارائه میکنند.

خب بنابراین این جاهلیت، امروز هست. پس اگر کسی تمدن غربی امروز را، «جاهلیت مدرن» بخواند - که خوانده‌اند؛ خیلی‌ها گفته‌اند جاهلیت مدرن - حق دارد؛ واقعاً جاهلیت همان جاهلیت است منتها امروز در دنیا خودش را به شکل تجدید یافته و مدرن شده نشان میدهد.

خب پس باید چه بکنیم؟ باید درسهای بعثت را مرور کنیم. همان کاری که نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در قبال آن جاهلیت انجام داد، امروز بر عهده‌ی ما است که در قبال این جاهلیت آن کارها را انجام بدهیم؛ این وظیفه‌ی ما است.

در درجه‌ی اول، تقویت ایمان. یکی از کارهای مهم برای ما و برای همه‌ی دلسوزان بشری در سراسر عالم، تقویت ایمان دینی است. توسعه‌ی گروه‌های مؤمن و مقاوم در سرتاسر عالم؛ انسانهایی که انگیزه‌ی دینی داشته باشند و ایمان داشته باشند و اهل مقاومت باشند و کار کنند، تلاش کنند؛ اینها باید توسعه پیدا کنند.

و [تقویت] قوت و استحکام نظام اسلامی. حالا به فضل الهی، با پرچم اسلام و زیر پرچم اسلام در جمهوری اسلامی ایران یک نظامی تشکیل شده؛ این را تقویت کنیم، مستحکم کنیم، پایه‌هایش را هر چه محکم‌تر کنیم، ثمراتش و اثراتش را هر چه گسترده‌تر کنیم.

بعد برنامه‌ی خردمندانه و حکمت‌آمیز؛ این میدان از آن میدانهایی نیست که انسان سرش را بیندازد پایین و حمله



کند؛ برنامه‌ریزی لازم دارد، مطالعه لازم دارد، برنامه‌ی خردمندانه باید تهیه بشود، با حکمت بایستی با این قضیه مواجه شد. و این برنامه باید متکی باشد بر شناخت وسیع مختصات این جاهلیت؛ اگر مختصات این جاهلیت را درست ندانیم، نمیتوانیم با آن مقابله کنیم، نمیتوانیم با آن مبارزه کنیم.

البته ما نمیتوانیم ادعا کنیم در این کارهای بزرگ به مقصود و هدفهایمان رسیده‌ایم؛ نه، در همه‌ی این گامهای بلند، ما در نیمه‌ی راهیم؛ در این شکی نیست. البته کار شده، پیش رفته‌ایم بحمدالله، اما در همه‌ی اینها ما در نیمه‌ی راهیم و هنوز خیلی فاصله داریم تا برسیم به هدف، لکن با وجود این، با اینکه هنوز در نیمه‌ی راهیم و خیلی فاصله داریم تا اینکه به هدف برسیم، باز الگوی انقلاب اسلامی و الگوی جمهوری اسلامی برای مردم دنیا یا حداقل مسلمانهای دنیا، یک الگوی جذاب است. شما ملاحظه کنید، ببینید در فاصله‌ی چند هزار کیلومتری تهران، در یک کشور دیگر (۹) اهانتی میشود به عکس شهید عزیزمان شهید سلیمانی، مردم واکنشی نشان میدهند که پلیسی که خودش آن اهانت را کرده، مجبور میشود عذرخواهی کند، با مردم همراهی کند، دوباره آن عکس را مثلاً در جاهایی از شهر نصب کنند؛ این الگو، الگوی جذابی است، نشان میدهد این الگو، الگوی پُرکششی است؛ همین نیمه‌کاره‌اش هم پُرکشش و جذاب است. اگر بتوانیم راه را خوب ادامه بدهیم، اگر چنانچه بتوانیم کار را با اتقان پیش ببریم، یک الگوی بسیار جذاب و پُرحرکتی در دنیا به وجود خواهد آمد و ملتها به سوی آن، حرکت طبیعی خواهند کرد.

ما در مقابل یک چنین جاهلیتی قرار داریم. البته این جاهلیت مدرن در همه جای دنیا یکسان نیست. به نظر من نمونه‌ی واضح و کامل جاهلیت مدرن، آمریکا است؛ از همه جای دنیا این جاهلیت در آنجا شدیدتر و سهمناک‌تر است؛ به معنای واقعی کلمه این جوری است. آمریکا یک رژیم است که اخلاقیات ناپسند در آن ترویج میشود؛ تبعیض در آن روزبه‌روز بیشتر میشود؛ ثروت ملّی روزبه‌روز بیشتر به سمت ثروتمندان و برخورداران کشیده میشود. کشوری به ثروتمندی آمریکا وضعی دارد که وقتی یک مقدار سرما زیاد میشود، عده‌ای در خیابانها می‌میرند؛ وقتی گرما زیاد میشود، عده‌ای در خیابانها می‌میرند؛ چرا؟ اینها به چه معنا است؟ امروز مظهر جاهلیت مدرن، مظهر تبعیض، مظهر ظلم، مظهر بحران‌سازی در دنیا آمریکا است. اساساً رژیم ایالات متحده‌ی آمریکا، یک رژیم بحران‌ساز و بحران‌زیست است؛ از بحران تغذیه میکند، ارتزاق میکند؛ از بحرانهای گوناگون در اطراف عالم ارتزاق میکند. [در آنجا] یک حرکتی این‌چنینی هست.

شبکه‌های مافیایی قدرت در داخل آمریکا، از بحرانهایی که در سراسر جهان اتفاق می‌افتد ارتزاق میکنند، استفاده میکنند. اساساً آمریکا یک رژیم مافیایی است؛ یک رژیم مافیایی است: مافیای سیاسی، مافیای اقتصادی، مافیای اسلحه‌سازی؛ انواع و اقسام مافیاهایی که سیاستهای این کشور را در دست دارند و هدایت میکنند و کنترل کشور در واقع دست آنها است؛ پشت سر دولتها کسانی را روی کار می‌آورند، کسانی را از کار برکنار میکنند؛ این مافیاهای رؤسای جمهور را سر کار می‌آورند. آن وقت این مجموعه‌ی مافیایی، این رژیم مافیایی احتیاج دارد که در اطراف دنیا یک جاهایی بحران وجود داشته باشد، لذا کانونهای بحران را خلق میکند. در منطقه‌ی غرب آسیا شما ببینید چقدر اینها بحران‌سازی کردند؛ اینها احتیاج پیدا کردند موجودی مثل داعش را به وجود بیاورند که سگ دست‌آموز آنها بود که علناً، صریحاً، به شکل آشکار، فیلم‌برداری شده افراد را سر ببرند، یا زنده‌زنده بسوزانند، یا غرق کنند در آب و فیلمش را به دنیا نشان بدهند؛ این را آمریکا به وجود آورد؛ خودشان اعتراف کردند؛ خودشان گفتند که این را آنها به وجود آوردند؛ اینها بحران‌ساز هستند. اگر نتوانند بحران ایجاد کنند کارخانه‌های اسلحه‌سازی نمیتوانند حداکثر



استفاده‌ی خودشان را بکنند؛ ناچار باید در دنیا بحران‌سازی کنند تا منافع این مافیای حداکثری بشود.

امروز به نظر من، اوکراین هم قربانی همین سیاست است. امروز قضایای اوکراین هم مربوط به همین سیاست آمریکا است. آمریکا اوکراین را به این نقطه کشاند؛ با ورود در مسائل داخلی آن کشور، راه انداختن اجتماعات علیه دولتها، حرکت مخملی به وجود آوردن، کودتای رنگی درست کردن، حضور سناتورهای آمریکایی در داخل اجتماعات معارضه، این دولت را برداشتن، آن دولت را گذاشتن؛ اینها طبعاً به همین جاها منتهی میشود.

البته ما با جنگ و تخریب در هر جای دنیا مخالفیم؛ این حرف ثابت ما است. ما با کشته شدن مردم، با تخریب زیربنای ملت‌ها [مخالفیم]؛ ما اینها را هر جای دنیا اتفاق بیفتد تأیید نمیکنیم؛ این حرف ثابت ما است. ما مثل غربی‌ها نیستیم که اگر چنانچه بمبی را روی سر کاروان عروسی در افغانستان بریزند و عروسی‌شان را تبدیل به عزا بکنند، [بگوییم که] این مبارزه‌ی با تروریسم است؛ این جنایت نیست؛ آنها منطقشان این جوری است دیگر؛ در افغانستان، در عراق. آمریکا در شرق سوریه چه کار میکند؟ چرا نفت سوریه را میدزدند؟ چرا پول افغانستان را میدزدند؟ ثروت ملی افغانستان را چرا غصب میکنند؟ چرا در منطقه‌ی غرب آسیا از جنایات صهیونیست‌ها که شبانه‌روز این جنایات دارد انجام میگیرد دفاع میکنند؟ اینها بحران‌سازی است؛ اینها کارهایی است که میکنند و همه‌ی اینها را به اسم دفاع از حقوق بشر و امثال اینها دارند انجام میدهند!

ما مثل آنها نیستیم که اگر چنانچه کاری در نقطه‌ای که مورد خواست ما است اتفاق بیفتد، آن را یک جور قضاوت کنیم، جای دیگر اتفاق بیفتد، جور دیگری قضاوت کنیم. هشت سال است مردم یمن در زیر بمباران هستند، غربی‌ها این را محکوم نمیکنند، از آن حمایت هم میکنند؛ هم حمایت زبانی، تبلیغاتی، رسانه‌ای، و هم حمایت عملی! اینها این جور هستند. ما البته در اوکراین طرفدار توقف جنگیم، ما میخواهیم آنجا جنگ تمام بشود؛ منتها علاج هر بحرانی صرفاً در صورتی ممکن است که ریشه‌ی بحران شناخته بشود. ریشه‌ی بحران در اوکراین سیاستهای آمریکا است، سیاستهای غربی‌ها است؛ اینها ریشه‌ی بحران است؛ اینها را باید شناخت و بر اساس اینها قضاوت کرد، داوری کرد و اگر اهل اقدام بودیم، اقدام کرد.

خب حالا که صحبت اوکراین مطرح شد، عبرتهایی هم در این قضیه‌ی اوکراین وجود دارد که انسان مشاهده میکند و در گفتار گویندگان و نویسندگان به بعضی از این عبرتها اشاره شده. من دو مورد از این عبرتها را مطرح میکنم. یکی این است که پشتیبانی قدرتهای غربی از کشورها و دولتهایی که دست‌نشانده‌ی آنها هستند، یک سراب است، واقعیت ندارد؛ این را همه‌ی دولتها بدانند. آن دولتهایی که پشت‌گرمی‌شان به آمریکا و به اروپا است، ببینند وضع امروز اوکراین و دیروز افغانستان را. هم رئیس‌جمهور اوکراین همین چند روز پیش گفت، هم رئیس‌جمهور فراری افغانستان چندی قبل گفت؛ گفت ما اعتماد کردیم به آمریکا، اعتماد کردیم به دولتهای غربی، [ولی] ما را تنها گذاشتند. به اینها نمیشود اعتماد کرد؛ این عبرت اول. حالا جمهوری اسلامی که صلاهی (۱۰) استقلال و عزتش دنیا را فرا گرفته، اما آن کسانی که مثلاً به آمریکا هستند، از این عبرت درس بگیرند و این را بفهمند.

عبرت دوم اینکه مردم، مهم‌ترین پشتوانه‌ی دولتها هستند. اگر مردم در اوکراین وارد میدان میشدند، وضع دولت اوکراین و مردم اوکراین این جوری نمیشد. مردم وارد میدان نبودند، چون دولت را قبول نداشتند؛ عیناً مثل آن وقتی که آمریکا به عراق دوران صدام حمله کرد، مردم دفاع نکردند، کنار رفتند، آمریکا مسلط شد. اما در همین عراق،



وقتی که داعش حمله کرد، مردم وارد میدان شدند، توانستند داعش را که خطر بسیار بزرگی بود به عقب برانند، توانستند سرکوب نکنند. عامل اصلی استقلال کشورها مردمند؛ ما این را تجربه کردیم؛ در دوران دفاع مقدس، مردم وارد میدان شدند و با اینکه همه‌ی قدرتها از صدام حمایت میکردند، به او کمک میکردند، جمهوری اسلامی به کمک مردم توانست غلبه پیدا کند و دشمن را ناکام بگذارد. بنابراین، این هم عبرت دیگری است. امیدواریم که همه‌ی ما چشم‌هایمان را باز کنیم، گوش‌هایمان را باز کنیم، درست بیندیشیم، درست فکر کنیم، درست عمل بکنیم و بتوانیم از این عبرتهای بزرگ بهره ببریم.

خداوند بر درجات امام بزرگوار راحلمان بیفزاید، که این درسها را او به ما داد، او ما را در این راه به حرکت درآورد. و خداوند ان شاء الله ارواح مطهر شهیدان را با روح مطهر پیغمبر خدا محشور کند که آنها ما را در دنیا سربلند کردند. مجدداً تبریک عرض میکنم و سلام خدمت حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه).

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

(۱) بلدالامین، ص ۱۸۳ (اعمال ماه رجب)

(۲) سوره‌ی جمعه، بخشی از آیه‌ی ۲؛ «او است آن کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند...»

(۳) سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه ۱۶۴؛ «به‌یقین، خدا بر مؤمنان مژده نهاد [که] پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت، تا آیات خود را بر ایشان بخواند و پاکشان گرداند...»

(۴) حریص و آزمند کردن

(۵) قرار گذاشتن و متعهد شدن برای انجام کاری

(۶) سوره‌ی مائده، بخشی از آیه‌ی ۵۰؛ «آیا خواستار حکم جاهلیتند؟...»

(۷) سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی ۳۳؛ «... و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینتهای خود را آشکار مکنید...»

(۸) سوره‌ی فتح، بخشی از آیه‌ی ۲۶؛ «آن گاه که کافران در دلهای خود، تعصب [آن هم] تعصب جاهلیت ورزیدند...»

(۹) در پی اقدام یک افسر هندی در آتش زدن تصویر شهید سلیمانی در منطقه‌ی مگام، مردم کشمیر با تظاهرات و بستن مغازه‌ها به این قضیه واکنش شدیدی نشان دادند که با عذرخواهی افسر هندی و نصب عکسهایی از ایشان و رهبر معظم انقلاب، غائله خاتمه یافت.

(۱۰) آواز، بانگ